فصلنامه آیین حکمت
سال دوم، بهار 1389، شماره مسلسل 3

مسائل مشترک فلسفه دین و فلسفه اصول

تاريخ دریافت: 02/09/98
تاريخ تأیید: 41/3/98

دکتر حسن معلمی

فلسفه دین، تفکر فلسفی و عقلانی در پای دین است؛ بيدین معنا كه کردارها و اعتقادات دینی را تبیین می‌کند، ادله و شواهد به تفع و یا عليه را مطرح می‌نماید و به درستی و نادرستی و صدق و کلیپ آن می‌پردازد. فلسفه اصول نیز به مبانی تصوری و تصدیقی علم اصول مهمون انجهاد، حکم، عقل و ارزش و انواع آن و پیام و انواع آن و مباحث زبانی و تفسیری می‌پردازد. بین این دو علم در مباحث زبان دینی، مباحث تفسیر و هرمونتیک، عقل و دین و تفکر عقل در فهم دین، انتظار یارکار دین و فلسفه دین، اشتراک و تعامل وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: فلسفه دین، فلسفه اصول، تفکر عقلانی و فلسفی، مبانی تصوری و تصدیقی.

استاد حوزه و استادیار دانشگاه باقرالعلوم

*
طرح مسئله
فلسفه دین و فلسفه اصول از فلسفه‌های مضاف هستند. برای فلسفه مضاف
نیاز تعاریفی ارائه شده است که پرداختن به آنها هدف این نوشتار نیست؛ بلکه به
اندازه‌ای که مقدمه این بحث باشد، بدان پرداخته می‌شود.
واژه فلسفه سه گونه به کار می‌رود:
1. بدون اضافه و وصف;
2. با اضافه، مثل فلسفه اخلاق، فلسفه ذهن، فلسفه دین، فلسفه اصول و...؛
3. با وصف، مثل فلسفه تحلیلی، فلسفه علمی و...
در مواردی که بدون اضافه و وصف به کار می‌رود نیز معنی متعددی دارد که
 بعضی از آنها عبارتند از:
یک. همه علوم حقیقی، اعظم از علوم نظری (ریاضیات، طبیعتات، الیات و
احکام کلی وجود با متافیزیک) و علوم عملی (اخلاق، تدبیر منزل و سیاست)؛
دو. همه علوم عقلی (فلسفه، منطق، ریاضیات و...) در مقابل علوم تجربی;
سه. احکام کلی وجود (علت و معلول، حادث و قدم، ثابت و متغیر و...);
چهار. هر نوع تحلیل و نگاه عقلاتی در باب هر چیز.
در مواردی که واژه فلسفه به چیزی اضافه می‌شود، مضافالیه دو گونه است:
1. علم;
2. امر با پیدا‌های خاص، مثل ذهن، احکام، هنر، سینما.
در مواردی که به علم اضافه می‌شود نیز دو گونه است:
یک. اضافه به مطلق علم (فلسفه علم).
دو. اضافه به علم خاص، مثل فلسفه اخلاق، فلسفه اصول، فلسفه فیزیک،
فلسفه منطق و امثال آن.
در صورتی که به علم خاص اضافه شود، دو حالت دارد:

حالت یکم: اضافه به عنوان علم، مثل فلسفه علم اخلاق و فلسفه علم اصول.

حالت دوم: اضافه به محتوای علم، مثل فلسفه اخلاق و فلسفه اصول.

نمودار مطالب فوق چنین است.

وارژه فلسفه

به طور مطلق به کار رود:

همه علوم حقیقی

همه علوم عقلی

احکام کلی وجود یا عدم تحلیل و نگاه عقلی

به صورت مضاف به کار رود:

مضاف به علم

مضاف به علم عقلی

مضاف به علم خاص

اضافه به عنوان علم فلسفه علم اصول، فلسفه علم اخلاق

اضافه به محتوای علم فلسفه علم اصول، فلسفه علم اخلاق

مضاف به شیء و پدیده

به صورت موسوم به کار رود: مثل فلسفه تحلیلی و فلسفه علمی

در مواردی که فلسفه به علم خاص اضافه می‌شود، اگر به عنوان علم اضافه شود – مثل فلسفه علم اخلاق و فلسفه علم اصول – آنچه مورد بحث است
معرفی علم، موضوع و مسائل علم، غایت و هدف علم، روش علم، پیشینه تاریخی علم، تحولات علم و مباحثی از این قبل؛ ولی اگر به محتوای علم خاصی اضافه شود - مثل فلسفه اخلاق، فلسفه اصول- در این صورت، مبادی تصویری و توصیفی آن علم مورد نظر هستند؛ مثلًا فلسفه اخلاق به مبادی تصویری و توصیفی علم اخلاق و فلسفه اصول به مبادی تصویری و توصیفی علم اصول می پردازد.

در مواردی که فلسفه به یک پدیده یا شیء اضافه می شود - مثل فلسفه ذهن، فلسفه دین، فلسفه احکام و امثال آن- در صورت دارد: یک مقصود عقل و عوامل آن پدیده است، مثل فلسفه احکام که معنی آن پی جویی از علت و مصالح و مفسد حکم است.

دو. مقصود معنایی غیر است: یعنی تفکر فلسفی و عقلی در باب آن شیء یا تحلیل عقلی پدیده یا کاوی‌های عقلانی در باب نحوه وجود، کارکرد، روابط و غیر آن، مثل فلسفه سینما و فلسفه دین.

با توجه به این مقدمه، فلسفه دین، فلسفه مضاف به پدیده و شیء است و فلسفه اصول، فلسفه مضاف به علم و از صورت دوم که علم خاص و محتوای آن و نیز مبادی تصویری و توصیفی آن مورد نظر است. با توجه به این مقدمه، به معنا و چیستی هر کدام از این دو عنوان می پردازیم و سپس تعامل و ارتباط آن دو را از طریق اشترکات بی‌می‌می‌ریم.

فلسفه دین

با توجه به مباحثی که در کتب مختلف فلسفه دین ذکر شده است، می توان مسائل آن را چنین برشمرد:
سال دوم، بهار ۱۲۸۹، شماره مسلسل ۳

۱. معنا و مفهوم خدا؛
۲. صفات خدا؛
۳. دلایل اعتقاد به خدا؛
۴. دلایل عدم اعتقاد به خدا؛
۵. شناخت خداوند بدون توسُل به برخاست.
۶. جستجوی مدام خداوند و خطر کردن;
۷. خدا، جهان و طبیعت;
۸. مفاهیم توحیدی واقعیت نهایی;
۹. مفاهیم غیر توحیدی واقعیت نهایی؛
۱۰. قدرت الاهی؛
۱۱. مادی گرایی، تحصیل گرانی و خدا؛
۱۲. قربانی، تجریه و خدا؛
۱۳. خداباوری و طبیعت گرانی;
۱۴. مسئله شر (دلیلی علیه اعتقاد به خداوند)؛
۱۵. عقل و دین؛
۱۶. علم و دین؛
۱۷. عقل و ایمان؛
۱۸. وحی و ایمان؛
۱۹. معجزات؛
۲۰. زبان دین؛
۲۱. قلمرو دین؛
مسائل مشترک فلسفه دین و فلسفه اصول

22. منشأ دین;
23. تعریف دین;
24. معرفت دینی و تحول فهم دینی;
25. کنات و اعتقادات دینی;
26. تحقیق و نظریه در دین;
27. دعاوی متعارض ادیان;
28. اخلاق دینی;
29. تجزیه دینی;
30. فلسفه و دین;
31. جاودانگی روح و رستاخیز و تعامل;
32. هرمنوتیک و کتاب مقدس;
33. مسأله جبر و اختیار و قضا و قدر;
34. وحدت متعالی ادیان;
35. گوهر و صدف دین;
36. انتظار بشر از دین;
37. وجه حاجت بشر به دین;
38. اعتقادات، اعمال و آداب دین و مباحثی از این قبیل.

بعد از ذکر مسائل سی و مسائل و تفاوت جیوه و تفاوت این نکته که مسائل فلسفه دین، اختصاص به این موارد ندارد و این موارد مستقل است، نوست به تعاریف مختلف از فلسفه دین می‌رسد.

تعریف اول: تفاوت فلسفه در باب دین، به دفاع فلسفی از اعتقادات دینی؛ زیرا
«الاهیات طبیعی یا عقلی» و «مدافعه دینی» این وظیفه را به عهده دارند. پس فلسفه دین، وسیله آموزش دینی و دفاع از دین نیست؛ لذا دیداراند و ملحد هر دو به آن می‌پردازند. این دانش ثانوی، شعبه‌ای از الاهیات نیست؛ بلکه شاخه‌ای از فلسفه است. (هیک. ۱۳۷۶: ۱۳ و ۱۴)

تعريف دوم: رشته‌ای که بعده عقلانی دین را بررسی می‌کند. در کتاب عقل و 

اعتقاد دینی آمده است:

بررسی بعده عقلانی دین (یعنی اعتقادات اساسی آن) و تحقیق کامل‌المعنى اعتقادات را به کم آگاهیته و برنامه‌ریزی شده باشد. فلسفه رشتی اعتقادات است که اعتقادات را به دقت مورد بررسی قرار می‌دهد و لذا می‌توانیم به حق از آن موفق باشیم که در مطالعه اعتقادات دینی ما را بارگیری می‌دهد. تحقیق در این باره که آیا فلسفه اعتقادات مساند، معنادار، معقول مستند یا نه، کاری کامل‌المعنى فلسفی است.

رشته‌ای دانشگاهی که بعده عقلانی دین را بررسی می‌کند، تحت عنوان «فلسفه دین» شناخته می‌شود.

فلسفه دین به یک معنا دنبال تمامی فلسفه انسان به تفکر جدی در باب موضوعات بسیار مهم است. فلسفه دین، به عنوان یک موضوع دانشگاهی انسان تمامی فلسفی نسبت به پرسشنامه فلسفی می‌توانیم را تلقی می‌کنیم و برای این منظور، تکنیک‌های و تکنیک‌های نظامان صوری فلسفه، در مدنی سیگنال و بر

اعتقادات دین اطلاق می‌کند. (۱۳۷۶: ۳۲ و ۱۴)

تمایل به وضوح (ایضاح مفهومی مثل مفهوم خدا، معجزه، شر و...) نگاه نقادانه (آشکار کردن مفروضات پنهان و مقدمات متغییر) و بررسی شوکت بدل و بررسی نقاط قوت و ضعف همه دیدگاه‌ها، ابتدا عقاید انسان و تفکر معنی‌بر ارائه دیدگاه جامع و معنادار و ترکیبی از جمله ویژگی‌های فلسفه دین است.
 persoان مشترک فلسفه دین و فلسفه اصول

(هیمان: ۳۲-۳۳)

روش فلسفه دین، تحلیلی و عقلانی است و یا ایضاح مفهومی شروع می‌گردد و به ارائه براهم و نقد بررسی آنها و ارائه بهترین گزینه با جمع بین آنها متهی می‌شود. (هیمان: ۳۲ و ۳۳) فلسفه دین یا دو رشته دیگر «الاوهات جرمی یا الیهات اعتقادات» که جنحت از آن یک سنت دینی معین می‌داند و «دفاعات دینی» که در مقام دفاعی از عقاید دینی خاص در مقابل انتقادات است، فرق دارد. (هیمان: ۲۷ و ۲۸)

نکته قابل تأمل این است که نوسنگاران کتاب عقل و اعتقادات دینی معتقدند تمام موضوعات «فلسفه دین» را که در کتاب فلسفه دین مطرح است، در کتاب خود آورده‌اند، حتی امروزی را بدان افروزده‌اند. (هیمان: ۱۳) موضوعات کتاب آنها صفات خدا، براهم خداشناسی، مسأله شر، شناخت خدا بدون توسه به برهم، زبان دینی، معجزات، حیات پس از مرگ، علم و دین، کنترل گرایی، اخلاق دینی، فلسفه و آموزه‌های الیهات، جستجوی مهام خدا و خطر کردن.

حاقل آنکه فلسفه دین:
1. بعده عقلانی دین یا بررسی می‌کند;
2. به افکاد عقاید ضروری آن، آگاهه و با برناه‌بریز می‌پردازد;
3. سوال می‌کند که آیا این اعتقاد معنادار است؟ مناسب است؟ معقول است؟
4. در این راه از همه تکنیک‌های عقائی و فلسفی استفاده می‌کند;
5. ایضاح مفهومی، نگاه تقادم، بررسی شوق بدل و ارائه دیدگاه جامع، روند عقائی آن است.
سوال اساسی این است که آیا موضوعات فلسفه دین به این امور اختصاص دارد یا اینها اموری است که تاکنون (تا زمان نوشتن کتاب مذکور) رایج و شایع بوده است؟ به نظر می‌رسد احصایی در کار نیست و باید ملاک را در نظر گرفت، نه فقط استقراً موارد را که در جمع‌بندی نهایی بدن اشاره می‌شود.

تعریف سوم: ارزیابی عقلانی ادعاها دینی؛ یعنی:
1. بررسی دلائل به نفع آنها;
2. بررسی دلائل علیه آنها;
3. بررسی درستی و تادرستی آنها;
4. از طریق فهم درست و ارزیابی آنها. (پانل: 1386، 37-32)

تعریف چهارم: فلسفه دین، عرشه‌ای خطیر برای تحقق دریباره خاستگاه.

سته‌های دینی و ماهیت آنهاست. (تالیف‌نامه: 1382، ص 14)

تدریب و تأمل درباره علاقه دینی، بررسی نقادت‌ه مدعيان دین، صداق و کذب گزاره دینی، فرآیند شواهد مؤید دین و موانع و امور مخرب برای اعتقادات دینی و...

(همان: 17، 20، 22، 33)

تعریف پنجم: فلسفه دین، تحقق فلسفی درباره مسائل اساسی راجع به دین است؛ مسائلی چون، حقیقت صفات خدا، چگونگی ارتباط دین با اختلاف و شکوه، (پپتان متناقض نما) که در اعتقادات دینی وجود دارد. (لغه‌پویا: 1383)

تعریف ششم: فلسفه دین تلاشی است که با ارائه تفسیر عقلی از دین و ارتباط آن با دیگر انواع تجربه، درصد کشف درستی باورهای دینی و ارزش‌نگرش‌ها و اعمال دینی است. فلسفه دین شاخه‌ای از مطالعه‌ی (به ویژه شاخه

تعریف سوم: ارزیابی عقلانی ادعاها دینی؛ یعنی:
1. بررسی دلائل به نفع آنها;
2. بررسی دلائل علیه آنها;
3. بررسی درستی و تادرستی آنها;
4. از طریق فهم درست و ارزیابی آنها. (پانل: 1386، 37-32)

تعریف چهارم: فلسفه دین، عرشه‌ای خطیر برای تحقق دریباره خاستگاه.

سته‌های دینی و ماهیت آنهاست. (تالیف‌نامه: 1382، ص 14)

تدریب و تأمل درباره علاقه دینی، بررسی نقادت‌ه مدعيان دین، صداق و کذب گزاره دینی، فرآیند شواهد مؤید دین و موانع و امور مخرب برای اعتقادات دینی و...

(همان: 17، 20، 22، 33)

تعریف پنجم: فلسفه دین، تحقق فلسفی درباره مسائل اساسی راجع به دین است؛ مسائلی چون، حقیقت صفات خدا، چگونگی ارتباط دین با اختلاف و شکوه، (پپتان متناقض نما) که در اعتقادات دینی وجود دارد. (لغه‌پویا: 1383)

تعریف ششم: فلسفه دین تلاشی است که با ارائه تفسیر عقلی از دین و ارتباط آن با دیگر انواع تجربه، درصد کشف درستی باورهای دینی و ارزش‌نگرش‌ها و اعمال دینی است. فلسفه دین شاخه‌ای از مطالعه‌ی (به ویژه شاخه

تعریف سوم: ارزیابی عقلانی ادعاها دینی؛ یعنی:
1. بررسی دلائل به نفع آنها;
2. بررسی دلائل علیه آنها;
3. بررسی درستی و تادرستی آنها;
4. از طریق فهم درست و ارزیابی آنها. (پانل: 1386، 37-32)

تعریف چهارم: فلسفه دین، عرشه‌ای خطیر برای تحقق دریباره خاستگاه.

سته‌های دینی و ماهیت آنهاست. (تالیف‌نامه: 1382، ص 14)

تدریب و تأمل درباره علاقه دینی، بررسی نقادت‌ه مدعيان دین، صداق و کذب گزاره دینی، فرآیند شواهد مؤید دین و موانع و امور مخرب برای اعتقادات دینی و...

(همان: 17، 20، 22، 33)

تعریف پنجم: فلسفه دین، تحقق فلسفی درباره مسائل اساسی راجع به دین است؛ مسائلی چون، حقیقت صفات خدا، چگونگی ارتباط دین با اختلاف و شکوه، (پپتان متناقض نما) که در اعتقادات دینی وجود دارد. (لغه‌پویا: 1383)

تعریف ششم: فلسفه دین تلاشی است که با ارائه تفسیر عقلی از دین و ارتباط آن با دیگر انواع تجربه، درصد کشف درستی باورهای دینی و ارزش‌نگرش‌ها و اعمال دینی است. فلسفه دین شاخه‌ای از مطالعه‌ی (به ویژه شاخه
ترجیح وی می پردازد. (همان)

حاصل همه تعاریف با ذکر ویژگی‌ها چنین است که فلسفه دین:

1. تفکر فلسفی در باب دین است؛ اما نه به معنا دفاع فلسفی از دین و یا

آموزش دین;

2. دانش ثانوی و شاخه‌ای از فلسفه است;

3. علمی است که بعد غفلتی دینی را بررسی می کند;

4. آگاهی و با برنامه‌ریزی به اشراف‌و‌افکار اساسی آن می پردازد;

5. سوال می کند که فلان اعتقاد معنادار است؟ منسجم است؟ معقول است؟

6. در این راه از همه تکنیک‌های عقلی و فلسفی استفاده می کند;

7. اضاح مفهومی، نگاه نقاداته، بررسی شقوق بدهل و ارائه دیدگاه جامع،

رونود عقلی آن است.

8. در آن ادعایی دینی ارژایی عقلانی می شوند: بررسی دلائل به نفع آنها،

بررسی دلائل علیه آنها، بررسی درستی و نادرستی آنها از طریق فهم درست و

ارژایی آنها.

9. عرصه‌ای خطیر برای تحقیق درباره خاستگاه سنت‌های دینی و ماهیت

آنهاست;

10. رسالت آن، تدبر و تأمل در باورها و علایق دینی، بررسی نقاداته مدعیان

دین، بررسی صدق و کذب گزاره‌های دین، گزارش و شواهد مؤید دین، و امور

مانع و مخرب برای اعتقادات دینی است;

11. تحقیق فلسفی درباره مسائل اساسی درباره دین است.
۲۲. تلاشی است که با ارائه تفسیر عقلی از دین و ارتباط آن با دیگر انواع تجربه، درصد کشف دستی باورهای دینی و ارزش نگرش‌ها و اعمال دینی است.

اگر موضوعات سی و هشت‌گانه و موارد دوازده‌گانه را در کنار هم‌دیگر قرار دهیم، معنا و مفهوم فلسفه دین کاملاً روشی می‌گردد و ابهام‌های اجمالی یا کلی -گویند آن مرتفع می‌شود. بحث در اینکه هر چه پا به تعاریف مذکور جه اشکال و تفقاتی دارند، ضرورتی ندارد؛ بلکه مشکل آن است.

تعاریف همچون «پژوهش عقلانی فرامینی (متن قنده) در چیستی و چسانی و چسانی دین و گزاره و آموزه‌های بین‌الن민 آن» و یا «کاوش‌های فلسفی دین و درباره دین» (رهبران: ۱۳۸۲، ۲۹ و ۳۲)، «تثبیت گزاره‌های بین‌النمن دین، تجربه و تحلیل صحت و سقم آنها» (آیت الله‌ا، ۱۳۸۱: ۱۵)، بررسی فلسفه‌نامه مفاهیم، گفتارها، دعاوی باورهای دینی و شواهد و دلائلی که به سود و زبان آن‌هاست» (نتایبی، ۱۳۷۵)، «پژوهش عقلانی در جهت معقولیت و توجیه دین و آموزه‌های اساسی آن و سازواری آنها (آموزه‌ها) با یکدیگر یا در جهت عدم معقولیت و توجیه سازواری آنها (محضری‌های ۱۳۸۱، ۲۹) و امثال آنها، هر کدام به بخش یا بخش - هایی از موارد دوازده‌گانه مذکور اشارة دارد و جامع و منعکس‌پذیری و ضرورتی نزی برای ارائه تعریف جامع و منع و وجود ندارد- اگر غیر ممکن نباشد- زیرا اگر درصد تبیین آن چی‌زی هستیم که اتفاق افتاده است، باز تابع آن بود، نه پیش‌هاده‌نده و اگر درصد تبیین تعریف فلسفه دین مطلب‌های هستیم، ممکن است به تفاوت‌های اهداف و اغراض تدوین، تعاریف متافیتی ارائه گردد. آری می- توان به پاره‌ای از عناصر اصلی و مشترک بین همه‌ها یا اکثر تعاریف اشاره داشت.
مسائل مشترک فلسفه دین و فلسفه اصول

مثال نگاه عقلانی، روش عقلانی ارزیابی صحت و سقم، بررسی براهین عليه یا به نفع، بررسی سازواری و یا عدم انسجام گزاره‌های دینی. نگارنده سخن در باب ملاک و معیار تمايز علوم، بحث از اعراض ذاتی، میزان کارآیی قواعد و ضوابط مذکور و برخی ویژگی‌های بودن یا قراردادی بودن تفکیک و تمایز علوم را به مقاله‌ای دیگر که در دست نگارش است، با گذار می‌کند. در آنجا روشین می‌شود که تعاریف علوم معمولاً اشارهای به بعضی‌های مهم علوم به صورت اجمال و مختصر است و ذكر مسائل آن علوم در کتاب تعریف، اجمال را به تفصیل تبیین می‌کند و به مقدار زیادی به ارائه شما می‌پردازد که بیش از این ضرورت ندارد و در موارد مشکل‌آفرین است. (رک: معلمو، 1389)

فلسفه اصول

چنانکه گذشت، «فلسفه اصول» اضافه و از «فلسفه» به علم «اصول» است، ولی به محتمال آن علم، نه عنوان آن و مقصود از آن «بررسی مبادی تصوری و تصدیقی علم اصول» است. مبادی تصوری مثل تعريف حکم، اعتبار، جعل، اجتهاد، قطع، ظن و وضع و مبادی تصدیقی همچون حجیت اجتهاد، حجیت عقل. حجیت قطع، مطالبی فهم و تفسیر دین به مدن دین، حجیت لغت و زبان، میزان دلایل آنها.

اگر علم اصول علمی است که به قواعد و اصول استنباط احکام می‌پردازد و یا عنصر مشترک استنباط فقهی را بررسی می‌کند و یا بیان حجیت فقهی است، آنگاه فلسفه اصول باید مبادی و مباني آن را بررسی کند و بحث اجتهاد، حکم، عقل، قطع، مباحث تفسیری، از مبانی آن محصور می‌شود؟

توجه مطلب اینکه فقه علم به احکام شرعی از طریق دلالت یا علم استنباط
احکام و اجتهاد است. به تعبیر دیگر، استخراج احکام شرعي از منابع مربوط
(کتاب، سندرع و عقل) با روش خاص «فقه» نام دارد. استنباط احکام شرعي نیاز
به اصول و قواعدی دارد که علم به این اصول و قواعد «اصول فقه» نام دارد از
این رو اصول فقه، حجت در فقه، عناصر مشترک است استنباط با کریبیت استنتاج
فقهی نام گرفته است.

نیاز به علم فقه و اجتهاد و استنباط از آنروست که احکام شریعت در همه
وقائع برای همه مکلفان روش نیست و عوامل فراوانی دست به دست داده بقیه
و اصول فقه مورد نیاز باشد؛ از جمله آنها دوری از زمان صدور شریعت، دوری
از عصر پایام و اهل بیت (ع) آسیب‌هایی که روایات بدان مبتلا هستند، مسائل
متعددی که در عصر تشريع مطرح بودند و بعدها مطرح نشدن و ...

اجتهاد و استنباط، به علوم فراوانی مثل علم لغت، ادبیات، منطق، حديث،
رجال و غیر آن نیازمند است و از جمله علوم مورد نیاز، اصول و قواعد استنباط
است که علم اصول فقه نام دارد و نمودار مسائل آن در این قسمت هستند. مسائل
اصول و قواعد مشترکی هستند که در همه ایراد فقه کاربرد دارند؛ مثل حجت
خبر وحید، حجت ظاهر قرآن و حديث، امام و ناهی، عام و خاص، مطلق و
مقید و مباحث از این قبل. مباحث عام و خاص، مطلق و مقید، امر و نهی و
مفاهیم، مباحث لفظی هستند و قبیل از آن باشد یک بحث لفظی، وضع، انواع وضع،
حقیقت و مجاز و مباحث مهم زبانی و در این جهت حجت خبر وحید و ظاهر
قرآن، مباحث عقلی، حجت عقل، ادراکات عقل، انواع عقل و مباحثی از این
قبل مقدمه هستند.
مسائل مشترک فلسفه دین و فلسفه اصول

از آنها که علم اصول فقه، اصول و قواعد استنباط و ا جهاد در باب حکم را
ارائه می‌دهد، قبل از آن بايد مباحث و جزئیات ا جهاد (تعریف، ادلبه، شباهت،
علوم لازم جهت ا جهاد، نقش زمان و مكان در ا جهاد و...) و حکم (توصیف،
ماهیت، انواع و...) مطرح گردد. همچنین قطع و یقین به حکم در همه موارد به
طور مستقیم یا غیر مستقیم (قطع به حجت امارات ماظون یا اصول عملیه) در
همه موارد اصول فقه مطرح است و از این روز به جهت حجیت و انواع یقین و قطع
و امور مربوط به آن، مقصد بر اصول فقه است. فهم و برداشت از منون دینی
(قرآن و سنن) و به دست آوردن حکم از منابع دین (عقل، اجماع، قرآن و سنن)
نیاز به تفسیر و فهم دارد و قواعد تفسیر، امکان تفسیر، موانع تفسیر، شرایط
تفسیر، مباحث هرمونتیک بر آن مقدم است. مجموعه این امور مقدم بر اصول فقه
و مبنای اساس برای آن فلسفه اصول» نام دارد.

در مباحث فلسفه دین نیز بحث زبان دین، قلمرو دین، تحول فهم دین،
انظارات بشر از دین، تفسیر و مباحث هرمنوتیک، یا مطالب بربایی از فلسفه
اصول بر اثر دین به آن هستند. پاره‌ای از مباحث مطرح در فلسفه دین در باب
زبان دین عبارتند از:

1. ویژگی‌های زبان دینی؟
2. نظریه تمثیل؟
3. گزاره‌های دینی به عنوان نماه؟
4. معنای سیاست دینی و تحقیق بذیری؟
5. غیرشناختاری با شناختاری بودن زبان دینی؟
6. نظریه بازی زبانی؟
7. زبان تعلیم؛
8. کارکردهای گفتار دینی؛
بعضی از مباحث مربوط به قلمرو دین عبارتند از:
1. دین و جامعه؛
2. دین و سیاست و حکومت؛
3. دین و فرهنگ؛
4. دین و رابطه انسان و خدا و عبادت؛
5. دین و قانون و حقوق.
پارهایی از مباحث مربوط به تفسیر فهم و تحول فهم دینی عبارتند از:
1. تعریف فهم و تفسیر؛
2. امکان فهم;
3. ضوابط فهم;
4. مواد فهم;
5. مفسر محوری یا متن محوری یا مؤلف محوری;
6. تنویع متن و تنویع زبان و تنویع فهم؛
7. هرمونیک کلاسیک، مدرن، فلسفی و ویژگی‌های هر کدام؛
8. حجیت ظواهر و تصویف متن مقدس.
همه این مباحث، جزء مباحث «فلسفه اصول» یا در ارتباط مستقیم با آن است.
از این رو رابطه فلسفه اصول و فلسفه دین در این موارد رابطه تعامل است و در مواردی به دلیل دیدگاه‌های متشاد، رابطه تعارض و ایجاد شیوه از طرف فلسفه دین در فلسفه اصول که حل آن بر عهده فلسفه اصول است.
حاسدل آنکه "فلسفه اصول و فلسفه دین" در باره‌ای از مباحث در ارتباط مستقیم هستند؛ یعنی بعضی مباحث در هر دو مطرح است و مباحثی از "فلسفه دین" بر "فلسفه اصول" تاثیرگذار هستند؛ یا به صورت تعامل یا به صورت تعارض؛ بدین معنا که فلسفه اصولی بايد شبهات در پای آن مسأله خاص پاسخ دهد تا بتواند مبدأ و اساسی برای علم اصول فقه ارائه دهد و فقه و مجهذ را در این امر پاره کند.
بی نوشته‌ها

1- در کتاب نلسه‌های تاریخ، نوشته‌های جان هیک، مسائل زیر تحت عنوان نلسه‌های مطرح شده است: ۱. منفی‌ها، ۲. دلایل اعتقاد به خدا، ۳. دلائل عدم اعتقاد به خدا، ۴. مسئله شر، ۵. وحی و ایمان، ۶. اصلاح شواهد، بین‌گرایی و اعتقاد قبیلی، ۷. مسائل زبان دینی، ۸. مسئله تحقیق پژوهشی، ۹. دعاوی متعارض ادای در باب نبی به حقیقت، ۱۰. تقدير برخی جاوانگی و رستاخیز، ۱۱. سرنوشت بشری، کره و تناصع.

در کتاب عقل و اعتقاد دینی، که در باب نلسه‌های این است نیز این مسائل مطرح شده است:
۱. تأمل در باب خداوند، ۲. تجربه دینی، ۳. ایمان و عقل، ۴. صفات خداوند، ۵. برخاسی، ۶. خداشناخت، ۷. شواهد نظام نبودن ترسیب به آنها، ۸. زبان دین، ۹. معجزات، ۱۰. حیات انسان از مرگ، ۱۱. علم و دین، ۱۲. کلیت‌گرایی دینی (پلی‌رایسم)، ۱۳. اخلاق دینی، ۱۴. نلسه و آموزه‌های اهل‌البیات، ۱۵. جستجوی مقدام خداوند و خطر کردن.

در کتاب مبانی نلسه‌های تاریخ نوشته‌های پیشین، هم مباحث زیر مطرح شده است:
۱. ایمان، دین و نلسه‌ها، ۲. ایمان، اهل‌البیات و عقل، ۳. ایمان، فرهنگ، آموزش‌ها، ۴. ایمان، هرمونیک و کتاب مقاس، ۵. ایمان، تاریخ و وحی، ۶. ایمان، خدا و جهن، و صفات خداوند، ۷. ایمان و وجود خداوند، ۸. ایمان، مرگ و جاوانگی، ۹. ایمان، اخلاق و تجربه دینی، ۱۰. ایمان و زبان دینی.

در کتاب نلسه‌های تاریخ نوشته کتابی بناند، و آگاهت پایان پرگ و ... هم مباحث مطرح یک‌بار و راه که مقدمه کتاب چه به نلسه، دین و نلسه‌های دین پرداخته است، ۱. چه نوع دین یابی وجود دارد، ۲. مفاهیم توحیدی و افکت نهایی، ۳. مفاهیم غیر توحیدی و افکت نهایی، ۴. اهمیت آموزش‌ها و تماشای سنت‌های دینی، ۵. ایمان و عقل، ۶. دین و اخلاق، ۷. دین و اخلاق، ۸. دین، اخلاق، عقل و ایمان، ۹. کلیت‌گرایی دینی.
مسائل مشترک فلسفه دین و فلسفه اصول

170

در کتاب فلسفه دین در قرن بیستم نوشته چارلز تالباتور، عناوین زیر به چشم می‌خورد: 1

اعتادات دینی، 2. آمال و آداب دینی و تصاویر واقعیت، 3. قدرت الهی، 4. مادتهایی، تحصیل گرایی و خدا، 5. عقل الاحی و ساختار عالم، 6. تعالی امر قدسی، 7. حکایت و کردی گرایی، 8. تجربه و خدا، 9. مسئله شر و شفاهندازی خبر، 10. خداوباری و طبیعت گرایی.

در کتب دیگری نیز تعریف دین، نیاز بشر به دین، انتظار بشر از دین، منشا دین، گوهر و صدف دین، قلمرو دین، مسئله جبر و اختیار، معرفت دینی و تحول فهم دینی، وحدت متعالی ادیان را به مباحث قبلی افزوده‌اند.

2- مسائل فلسفه اصول عبارتند از:

1. اجتهاد:

1-1: تعریف و معناً اجتهاد;

1-2: انواع اجتهاد;

1-3: ادله ضرورت اجتهاد;

1-4: شباهات در باب اجتهاد;

1-5: منابع لازم جهت اجتهاد;

1-6: نقش زمان و مکان در اجتهاد;

1-7: علوم لازم برای اجتهاد;

1-8: نقش اجتهاد در ایجاد علم دینی در علوم انسانی.

2. مباحث قطع و قیفین:

2-1: تعریف قطع و قیفین;

2-2: انواع قیفین و قطع و مراتب آن;

2-3: حجیج قطع و معیار آن;

2-4: معرفت لازم در باب احکام، اخلاق و عقاید;

2-5: منجریت علم اجمالی.
سال دوم، بهار 1389 شماره مسلسل 3

4-2 جانشینی امارات و اصول به جای قطع
7-2 قطع حاصل از غیر کتاب و سنت

3 عقل:

3-1 معنی عقل
3-2 اقسام عقل
3-3 عقل، منبع با ابزار
3-4 عقل نظری

5-3 عقل عملی (نابد و نابدها و رابطه آنها با هستند)
6-3 حسن و قبح
7-3 حق و حقوق
8-3 ملاءمه بین حکم عقل و شرع

4 حکم، اعتبار و الزام:

4-1 تعريف حکم (ماهیت آن)
4-2 اقسام حکم
4-3 مراتب حکم
4-4 امور مرتبط با حکم
4-5 مبادی حکم

6-4 تابعیت حکم از مصالح و مفساد

7-4 احكام اولی و ثانوی
8-4 احكام حکومتی
9-4 احكام ظاهری و واقعی
10-4 احكام ملزم و ارشادی
11-4 شرایط عاته تکلیف
12-4 تعهدی و توسیع
مسائل مشترک فلسفه دین و فلسفه اصول

5. مباحث زیاتی:

1- روش هنری مباحث الفاظ;
2- تعریف و دلایل، معنا، مفهوم و وضع;
3- نظریات مختلف در باب معنا;
4- اقسام وضع;
5- معانی حرفیه;
6- رابطه دلایل و معنا;
7- نظریه استعمال و احکام آن;
8- استعمال لفظ در اثری از معنا;
9- اشترک لفظ و ترادر;
10- صحیح و اعم;
11- حقایق شرعیه;
12- افعال ظنات;
13- زبان دین.

6. مباحث تفسیری و فهم کتاب و سنت و تحول فهم دینی:

1- تفسیر، تأویل و تطبیق;
2- احکام تفسیر و فهم من;
3- ظواهر و نصوص و قرآن و شواهد;
4- ابزار فهم و تفسیر;
5- موارد و شرایط لازم جهت تفسیر;
6- مبانی مختلف تفسیر;
7- تأثیر علوم دینی در تفسیر;
8- تغییر معرفت دینی;
9- مواضع فهم، تفسیر و ماهیت هرمونیک.
اینکه چرا مسائل مذکور به عنوان مباحث فلسفه اصول پذیرفته شده‌اند، بدان جهت است که

مباحث اصلی علوم اصول (بر اساس کتاب کفاية اصول) عبارتند از:

1. اساس؛
2. نواحی;
3. مفاهیم;
4. عام و خاص;
5. مطلق و مقدی.
منابع
- آیت‌الله، حمیدرضا، ۱۲۸۱، مفاهیم و مسائل فلسفه دین، تهران، توسه دانش.
- پترسون و دیگران، مایکل، ۱۲۸۷، عقل و اعتقاد دینی، ترجمه احمد رفیقی و ابراهیم سلطانی، تهران، طرح نو.
- پیام، دویید، ۱۲۸۳، مبانی فلسفه دین، مرجع ترجمه‌نامه، تهران، تاریخ ترجمه، تراز.
- تالیفار، چارلز، ۱۲۸۲، فلسفه دین در آفرین تجسم، ترجمه انساب‌الله رحمتی، تهران، دفتر پژوهش و تحقیق و تفسیر.
- پیام، علی اکبر، ۱۲۸۱، فلسفه دین و اصول اسلامی، تهران، گالری تفسیر و تفسیر اسلامی.
- زکی، عباس، ۱۲۸۵، تفسیر و تفسیر اسلامی، تهران، اثر.
- پیام، محمد، ۱۲۸۳، سیاست‌نامه‌های انسانی در سیران، قم، انتشارات مؤسسه امام خمینی(ره).
- محصوت، محمد، ۱۲۸۶، جهتی فلسفه دین، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- معلمی، حسین، ۱۲۸۹، در آمده در فلسفه اسلام، قم، بوستان کتاب.
- معلمی، حسین، پیام با کلیات علم کلام جزوه، غیر مطبوع.
- هیک، چهار، ۱۲۷۶، فلسفه دین، ترجمه بهزاد سالکی، تهران، هدی.
- پنجه‌الی و دیگران، کیت، ۱۲۸۴، فلسفه دین، ترجمه زیب نظر حسن شاهرودی، مشهد، دانشگاه رضوی.